



## اراده‌های یونی

# آسیب‌شناسی پهلوی از منظر خاطرات علی‌امینی

مهدی فخرزاده

به شاه، این تعارض‌ها را برمی‌شمرد. امینی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «متأسفانه ما باید هر روز چندین میلیون قرض‌گذاشتگان را بپردازیم. دولت هم مانند خود شما (مردم) زیر بار قرض است. ما الان به آمریکا، به فرانسه، به آلمان، به ایتالیا مقروضیم. مردم و دولت هر دو مقروضند...»<sup>(۱)</sup>

ایران، کشوری با استعداد بالای توسعه، هنوز از خویش سربرنیاورده است. با استناد به خاطرات علی‌امینی می‌توان تا حدودی برخی موانع توسعه را در آن دوران برشمرد؛ موانعی که در نهایت شکاف ملت - حکومت را آن چنان عمیق کرد که به فروپاشی ژاندارم منطقه انجامید.

### ۱- کار غیر کارشناسی

حاکمیت روابط در نظام متمرکز شاه و چاپلوس محوری دستگاه بوروکراسی، باعث می‌شد تا به جای کار کارشناسی، امور به دست افراد چاپلوس بیفتند. این مسئله در تمامی طرح‌های کوچک و بزرگ شاه وجود داشت. کارگزاران شاه خاطرات بسیاری از این وضعیت نقل کرده‌اند. محمد یگانه در خاطرات خود نقل می‌کند که چگونه کشت و صنعت‌ها، تقسیم‌بندی بودجه و... تحت تأثیر افراد یا اراده شخص شاه واقع می‌شده است. عضویت ایران در پیمان سنتو از جمله بحث‌برانگیزترین وقایع دوران پهلوی بود. این اتفاق در زمان نخست‌وزیر اهل اصلاح شاه علی‌امینی افتاد.

جهانگیر تفضلی در خاطرات خود آورده که با وجود مخالفت خودش، عبدالله انتظام -وزیر خارجه- و حسین علاء، شاه اورامی خواهد و می‌گوید چند مقاله بنویسد و از طریق نصیری به روزنامه‌های عصر بدهید و در آن زبان‌های

جاری می‌شود که استقراض و فساد کمر دولت را شکسته است.

نخستین تجربه‌های دولت مدرن در ایران هنوز جان‌نیفتاده بود. جدال بین ضل‌اللهی و مردمی بودن حاکم کماکان ادامه داشت و شاه میل به بسط ید خود را از کسی پوشیده نمی‌داشت. در مقابل نیز قانون‌اساسی، مجلس و هیئت دولت، به عنوان ساختارهای مدرن وارد ایران شده بود، اما اراده‌های یونی می‌رفت که در برگیرنده همه چیز شود و احزاب مستقلی که بذرشان در دوران مصدق کاشته شده بود این خطر را حس کردند. سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ دوروز پیش از اعلام برنامه دولت امینی، هر دو مجلس شورای ملی و سنا به دستور شاه منحل شد. شاه در پیام انحلال، به قانون اساسی و حفظ مشروطیت اشاره کرد و ضمن تأیید دولت مقتدر و اصلاح طلب امینی، اراده فرمود که موانع را از سر راه ایشان بردارد. اما روند این گونه نماند، اصلاحات امینی در تعارض با زیاده‌خواهی‌های شاه قرار گرفته بود. مردادماه ۱۳۴۱ نهضت آزادی ایران طی نامه‌ای سرگشاده

حاکمیت روابط در نظام متمرکز شاه و چاپلوس محوری دستگاه بوروکراسی، باعث می‌شد تا به جای کار کارشناسی، امور به دست افراد چاپلوس بیفتند. این مسئله در تمامی طرح‌های کوچک و بزرگ شاه وجود داشت

«دوره فترت ادامه دارد، مشروطیت ایران که اساساً تعطیل بردار نیست بدون هیچ علت موجهی تعطیل شده است. مشکلات مالی و اقتصادی روز به روز بیشتر می‌شود. از «عدالت اجتماعی» اثری مشهود نیست. افراد مردم از فقیر و غنی، همه گرفتارند، گرفتار صدها مشکل عمومی و اجتماعی که می‌توان گفت در اثر عدم توجه مقام سلطنت به موازین و اصول لازم‌الرعایه مربوط به اداره صحیح و قانونی مملکت لاینحل مانده است. بالاخره روزی باید تعیین شود تکلیف مردم و مملکت چیست؟ اگر قانون اساسی و مشروطیتی وجود دارد، چرا به آن عمل نمی‌شود.»<sup>(۱)</sup>

سرانجام این تعیین تکلیف خواهی شاه و مردم به جایی رسید که شاه به قانون تن نداد و مردم به شاه!

سطرهای بالا برگرفته از نامه‌ای است که نهضت آزادی در سال ۱۳۴۱ خطاب به شاه نوشته و دولت امینی را که بزرگترین دولت مدعی اصلاحات پیش از انقلاب و پس از ۱۳۳۲ بود، به نقد کشیده است. این نامه تعارضات موجود میان توهم ایران پیشرفته شاه و واقعیاتی که نخست‌وزیر تکنوکرات و منتصب خود وی مطرح می‌کند برمی‌شمرد. «کشوری با ثبات»، «اقتصاد مستحکم»، «دموکراسی»، «پیشرفت‌های سریع در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی»، «ارتقای بی‌سابقه در ثروت و سطح زندگی مردم»، «برنامه‌های شگرف اقتصادی» و... اینها مجموعه‌ای از واژه‌های به کار برده شده شاه و توهمات محمدرضا پهلوی است؛ دیکتاتوری که این گونه دیکتاتوریش را توجیه می‌کرد. این واژه‌های زیبار در شرایطی بر زبان شاه



بی طرفی را گوشزد کنید!

اما آنچه برای تفضلی مبهم می آید این است که بسیاری از هواداران انگلیس و فراماسون ها هم با پیمان ستو مخالف بودند، حتی دولت انگلیس هم این الحاق را نمی پذیرفت. سردنيس رایت می گوید با وجود تبلیغات فرمایشی مطبوعات، اعتقاد سفارت بر این بود که افکار عمومی ایران به شدت با عضویت ایران در یک پیمان دفاعی مخالف است.<sup>(۳)</sup> شاه با وجود مخالفت ها تصمیم گرفت این اتفاق بیفتد و افتاد.

### ۲- کارگزاران یا جان نثار

روند کارگزاران حکومت های پهلوی به طور معمول از سمت و سوی کارشناس به مجری و از مجری به جان نثار است. در واقع نظام دیکتاتوری پیش و بیش از آن که به نیروهای متخصص و دلسوز نیاز داشته باشد که گاهی به مناسبت شرایط، نقدی هم به اعلیحضرت داشته باشند، نیاز به تملق گویان و چاپلوسانی دارد که هر چه بیشتر آن نظام را گمراه کنند. تبعات چاپلوسی نیز رشد روحیه دیکتاتوری است.

سپهبد زاهدی، اولین نخست وزیر کودتا نسبت به شاه، حالت پدرانهای داشت. او محمدرضا را همچون فرزند خود می دید. استقلال رأی زاهدی در مقابل محمدرضا پهلوی، به مذاق شاه خوش نمی آمد، همین زمینه اصطکاک میان شاه و فضل الله زاهدی بود. از سویی سیاهم همچون شاه از کسی که در مقابلش ادعا یا استقلال رأی داشته باشد بیزار بود. در خاطرات تفضلی آمده که شاه زاهدی را سفیر سیار اروپا کرد تا دولت را از او بگیرد.<sup>(۴)</sup>

این وضعیت، فضای مناسبی برای رشد گروه های ذی نفوذ در رژیم بود. امینی از رقابت افسار گسیخته این گروه ها در یک مصاحبه تا حدودی پرده برمی دارد: «کار من در این اواخر در مجلس شکل عجیبی به خود گرفته بود. دائم می بایست مثل خروس جنگی در چند جبهه بجنگم. یکی می خواست رئیس گمرک را عوض کنم، دیگری به غله و نان نظر داشت، سومی قضیه ارز را اعلام کرده بود من دیدم دیگر دارم در وزارت دارایی از اصل می خورم و آمدم به داد گستری، ولی اینجا هم محشری است.»<sup>(۵)</sup>

تداوم این وضعیت رژیم شاه را به یک بوروکراسی بیمار و ناکارآمد با ادعاهای بزرگ تبدیل کرد. او می خواست در زمره چند کشور صنعتی جهان باشد، اما آنچه اتفاق می افتاد،

زمینه های سقوط بودند توسعه و رشد و دستگاه بوروکراسی پیرامون شاه چشم او را پر واقعیات در جریان جامعه بست.

شاه پیشرفت ها را سریع می دید. در کتاب «مأموریت برای وطن» مدعی است: «در سال های اخیر پیشرفت های مادر امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به طوری سریع بوده که نگرانی های گذشته را کمتر احساس کرده ایم.» او همچنین در ۲۸ مرداد ۱۳۴۰ ادعا کرد کشور سراسر میدان فعالیت مثبت و ثمربخش است و ثروت و سطح زندگی منظم در حال ترقی است. توهمات همایونی به همین ها ختم نمی شود. او حتی گاهی مدعی دموکراسی سیاسی نیز هست و این در حالی است که نخست وزیر منتصب شاه و نه منتخب ملت، امینی کل مدیریت کشور را به نداشتن اندکی شعور متهم می کند!<sup>(۶)</sup>

نشانه های زوال در زندانم منطقه مشهود بود، اما جان نثاران آن را از دید شاه مکتوم می کردند. گویا نخستین رقم زندگان زوال، جان نثاران شاه بودند.

### ۳- اراده ای پر تو از قانون

«من بهتر از هر فرد وارد به امور سیاسی می دانم که هر وقت اعلیحضرت همایونی اراده بفرمایند ممکن است یکی از خدمتگزاران مملکت زمام امور را به دست بگیرد و تا اعلیحضرت تصمیمی اتخاذ نفرمایند، هر گونه تلاشی بی مورد است...»<sup>(۷)</sup>

این جمله ها شرحی است که علی امینی در سال ۱۳۳۷ از شاه می دهد. امر همایونی به مرور می رفت تا با در دست گرفتن تمام سازو کار اجرایی و قانونگذاری کشور به قدرتی قاهره تبدیل شود. از قوای سه گانه تنها قوه قضاییه قدری مصون مانده بود. شاه یکه تازی می کرد، به اشارت چشمی مطبوعات را سانسور می کرد و به کرشمه ای، فعالان را در زندان جای می داد.

۲۳ تیر ماه ۱۳۳۷ کودتایی در عراق اتفاق افتاد. ملک فیصل و دیگر سران حکومت عراق به گونه فجیعی به قتل رسیدند. شاه نگران از اوضاع خود دوست نداشت اخبار این کودتا به مردم برسد. امر همایونی به سانسور مطبوعات از اخبار کودتای عراق فرمان داد.<sup>(۸)</sup>

پهلوی دوم اواخر کار دستور زیر نظر گرفتن تمام کارگزارانش را داده بود. شاه قدر قدرت حتی نامه های خصوصی کسانی چون امینی را نمی توانست از نظر دور دارد.<sup>(۹)</sup>

ملی امینی

### روند کارگزاران

حکومت های چون پهلوی به طور معمول از سمت و سوی کارشناس به مجری و از مجری به جان نثار است. در واقع نظام دیکتاتوری پیش و بیش از آن که به نیروهای متخصص و دلسوز نیاز داشته باشد که گاهی به مناسبت شرایط، نقدی هم به اعلیحضرت داشته باشند، نیاز به تملق گویان و چاپلوسانی دارد که هر چه بیشتر آن نظام را گمراه کنند

## ۴- جای خالی مردم

ژست دموکراتیک شاه در مقابل قدرت‌های اروپایی و امریکایی برای خودش در دسر شده بود. انتخابات از جمله ابزاری بود که ممکن بود اراده شاه را به چالش بکشد. انتخابات بیستم شروع شد و شاه در جریان کنفرانس مطبوعاتی تأکید کرد که انتخابات آزاد است، اما تلویحا جبهه ملی را استثنا کرد.<sup>(۱۰)</sup> البته برخی از اعضای سابق جبهه ملی اجازه شرکت در انتخابات گرفتند، از جمله بنا به گزارش ساواک، دکتر مظفر بقایی کسب اجازه نمود که در انتخابات شرکت کند. در میان مخالفان تنها کسانی اجازه حضور یافته بودند که هر چند دوره‌ای با جبهه ملی همراه بودند اما در نهایت به مخالفت جدی با مصدق پرداخته بود. به جز بقایی، حسین مکی و حائری زاده هم با اجازه ساواک در انتخابات شرکت کردند. علی امینی و دوستانش نیز در این انتخابات به عنوان منتقد حضور یافتند. فضای انتخابات داغ شده بود. اراذل و اوباش سازماندهی شده و گروه‌های فشار با حمله به جمع‌ها و میتینگ‌ها قدری فضا را کنترل می‌کردند. شاه با ادعای انتخابات آزاد حتی مخالفان مهندسی شده را نیز بر نمی‌تابید.<sup>(۱۱)</sup> هیچ گروه یا حزبی وجود نداشت که بتواند در یک انتخابات آزاد عرض اندام کند و همین هم برای حکومت، قابل تحمل نبود. عدم وجود گروه‌ها و احزاب آزاد و غیر فرمایشی مملکت را از نقد دلسوزان و حضور مؤثر مدیران و کارشناسان دور نگاه می‌داشت، در نتیجه اراده همایونی که بر توسعه بود محقق نمی‌شد.

گروه‌ها و احزاب آزاد از شاخصه‌های مشارکت مدنی مردم در امر سیاست و حکومت است. دکتر حسن ارسنجانی از وزیران دوره پهلوی در مورد تشکیل احزاب و گروه‌ها می‌گوید: «محیط سیاسی خاص ایران اجازه تشکیل گروه سیاسی آزاد نمی‌دهد و تا چنین گروهی تشکیل شود مأموران سازمان امنیت قد و نیم‌قد در آن راه می‌یابند و پس از مدت کوتاهی همفکری تبدیل به جنگ با شعارهای ساخت سازمان می‌شود و به علاوه ده‌هزار دروغ‌رابری خوش خدمتی می‌سازند و تحویل می‌دهند و سوء تفاهات را زیادتر می‌کنند»<sup>(۱۲)</sup> پهلوی کوچک گمان می‌برد به تنهایی، بی‌رقیب و بدون حضور مردم، مملکت را می‌تواند اداره کند.

## شد دیکتاتور بزرگ

ژست دموکراتیک شاه باید احزاب را تقویت می‌کرد و دست کم یک صورت از احزاب آزاد ایجاد می‌کرد. اعلیحضرت تصمیم می‌گیرد مملکت دو حزبی شود، این وضعیت می‌توانست مجلس را نیز بهتر کنترل کند. مجلس به این دو حزب خود ساخته ختم می‌شد و اپوزیسیون جدی‌تر کنترل می‌شد.

اسدالله علم مأمور تشکیل حزب مردم شد. گروهی از تحصیل‌کردگان امریکا که با اصل چهار نیز ارتباط داشتند مورد توجه علم قرار گرفتند. جمشید آموزگار، هوشنگ

دور هم جمع می‌شدند، اما این حزب باید به حزب مردم می‌پیوست. سرلشگر تیمور بختیار، ریاست وقت ساواک با عبدالرضا انصاری برای پیوستن به حزب مردم وارد گفت‌وگو می‌شود. انصاری به بختیار می‌گوید: «ما که فعالیتی نداریم و صرفاً دور هم جمع می‌شویم و گپی می‌زنیم و قهوه‌ای می‌خوریم.» سرلشگر پاسخ می‌دهد: «آن هم نمی‌شود»<sup>(۱۳)</sup> گرایش شاه به دیکتاتوری بر هیچ کس پوشیده نبود و دوستان امریکایی و اروپایی او به خوبی به این روحیه آگاه بودند. سفیر امریکا مدعی است پهلوی جوان در ۱۷ آبان ۱۳۴۰ به صراحت اعلام



کرد که انتخابات آزاد به شکل گیری یک اقلیت کمونیست یا جبهه ملی‌ای می‌انجامد که قابل تحمل نیست!<sup>(۱۴)</sup>

سفیر امریکا معتقد بود شاه جدا به فکر حکومت فردی است.<sup>(۱۵)</sup>

این روحیه به دیگر ارکان حکومت شاه نیز تعمیم یافته بود و گویی تملق امری ممدوح و نقد مذموم شده بود. واز گونی دستگاه ارزشی جامعه در گفت‌وگویی که بین پسر امینی و تیمسار علوی مقدم، رئیس شهربانی اتفاق می‌افتد به خوبی نمودار است. علوی مقدم به پسر امینی که یک فیلم مستند در بندرعباس ساخته بود می‌گوید: «خجالت نمی‌کشید از زشتی‌های مملکتان فیلمبرداری می‌کنید؟» امینی در پاسخ می‌گوید شما که مسئولید باید این زشتی‌ها را از بین ببرید نه این که واهمه از نمایشش داشته باشید.<sup>(۱۶)</sup> شاه ناچار از توجیه دیکتاتوری خود است. او در مصاحبه با یک نویسنده امریکایی

فرمانفر مایان، علی مجلوجی، عبدالرضا انصاری و... گروهی به نام «ایران نو» داشتند، این گروه هر هفته یک‌بار برای تبادل نظر در مورد مسائل ایران

امر همایونی به مرور می‌رفت تا با در دست گرفتن تمام سازوکار اجرایی و قانونگذاری کشور به قدرتی قاهره تبدیل شود. از قوای سه‌گانه تنها قوه قضاییه قدری مصون مانده بود. شاه یکه تازی می‌کرد، به اشارت چشمی مطبوعات را سانسور می‌کرد و به کرشمه‌ای، فعالان را در زندان جای می‌داد



های. آی. بین-در پاسخ به این پرسش که آیا اسامی کاندیداهای مجلس راهم شما تأیید می کنید؟ می گوید: «چرا که نه؟ چرا می بایست توسط واشنگتن یا لندن تأیید شود؟»<sup>(۱۷)</sup> شاه دخالت غیرقانونی خود در روند انتخابات را با دخالت خارجی توجیه می کند، گویی اگر او دخالت نکند بیگانه باید دخالت کند. امر همایونی بر هر کاری سایه افکنده بود.

سال ۱۳۳۶ بنا بود کتر اقبال، نخست وزیر شاه استیضاح شود. او در جلسه ای که باید پاسخ بگوید، می گوید: «چون ما هیچ کاری را بدون امر و اجازه اعلیحضرت نمی کنیم و چون اعلیحضرت همایونی تشریف ندارند، فعلاً نمی توانم بگویم چه روزی جواب استیضاح را خواهم داد. البته فردا بعد از ظهر اعلیحضرت به سلامتی تشریف فرما می شوند و وقتی اجازه فرمودند روز استیضاح را به عرض مجلس می رسانم!»<sup>(۱۸)</sup> این رفتار برای کسانی که از بیرون به ایران نگاه می کردند، معنای روشنی داشت. سفیر فرانسه در مورد این اتفاق می گوید: «بدیهی است این رفتار که از جانب صدراعظم های قدیم عادی می نمود، امروز دیگر قابل قبول نیست و با تأسی به آن

نخست وزیر بدترین خدمت را به پادشاه خود کرده است. با اطاعت و سازشکاری افراطی ای که غالباً به سطح نوکرمآبی می رسید، دکتر اقبال حتی بیشتر از آقای علاء، عطش محمدرضا به حکومت فردی را دامن می زد و با واگذار کردن مسئولیت کامل تمام اقدامات دولت به شاه به او صدمه می رساند.»<sup>(۱۹)</sup> جان نشاران و چاکران در گاه همایونی، جای مدیران و کارشناسان را گرفته بودند، به قول سفیر فرانسه آنها خدمتی به شاه نمی کردند و خدمتی به ایران هم نمی کردند. اطرافیان شاه سرگرم چاپلوسی بودند و در جامعه اتفاقی در جریان بود. شاه آن چنان در توهم اقتدار خود فرورفته بود که حتی علی امینی، نخست وزیر منتصب خود که به خاطر سهولت در کارش مجلسین آن دوران را نیز منحل کرده بود بر نمی تابد. شاه قدرتمند بود و گمان می کرد با سرکوب، جامعه را بر جای خود خواهد نشاند؛ توهمی که تنها تا سال ۱۳۵۷ دوام آورد و ازاده همایونی به یک باره به زیر کشیده شد.

پی نوشت:

۱- نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران، اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی، مرداد ماه ۱۳۴۱، مجموعه اسناد

نهضت آزادی ایران.

۲- همان.

۳- تبریز بحران، زندگی سیاسی علی امینی، تألیف ایرج

امینی، نشر ماهی.

۴- همان، ص ۱۱۸-۱۱۴.

۵- همان، ص ۱۲۰.

۶- نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به اعلیحضرت

محمدرضا شاه پهلوی، مرداد ماه ۱۳۴۱، مجموعه اسناد

نهضت آزادی ایران.

۷- تبریز بحران، زندگی سیاسی علی امینی، تألیف ایرج

امینی، ص ۵۰، نشر ماهی.

۸- همان، ص ۱۶۰.

۹- همان، ص ۵۱۷.

۱۰- همان، ص ۱۷۹.

۱۱- همان.

۱۲- همان، ص ۲۸۵.

۱۳- همان، ص ۱۴۳-۱۴۲.

۱۴- همان، ص ۴۱۷.

۱۵- همان، ص ۴۱۲.

۱۶- همان، ص ۱۳۵.

۱۷- همان، ص ۱۳۹.

۱۸- همان، ص ۱۳۸.

۱۹- همان.

## اگر خواهان اشتراک نشریه چشم زنیان هستید:

- لطفا برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کنید.
- حق اشتراک یک ساله داخل کشور ۱۵۰،۰۰۰ ریال و خارج از کشور اروپا ۳۰۰ یورو و آمریکا ۴۵۰ دلار می باشد.
- حق اشتراک را به حساب سپینا ۰۱۰۶۰۷۳۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک ملی، شعبه دانشگاه، کد ۸۷، پیمان لطف الله میثمی یا به حساب جام ۱۸۳۶۷۹۰۴ بانک ملت شعبه میدان توحید، کد ۶۷۵۶/۱ به نام لطف الله میثمی واریز نمایید
- بریده یا رونوشت برگه تکمیل شده را به همراه اصل رسید بانکی با پست سفارشی یا از طریق فاکس ارسال فرمائید. (لطفا به شماره حساب قبلی بانک ملی واریز ننمایید)
- ۲۰٪ تخفیف به دانشجویان (با ارائه کپی کارت دانشجویی) و همچنین طرح امانی رایگان برای کسانی که توانایی خرید نشریه را ندارند (با ارسال نامه) در نظر گرفته شده است.
- از مشتریانی که از توانایی مالی برخوردارند خواهیم شدیم ما را از همت عالی خود محروم نفرمائید.

۰۲۱ - ۶۶۹۳۶۵۷۵



تهران - صندوق پستی ۱۳۲۴۵/۸۹۵



فرم درخواست اشتراک

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

تلفن:

کد پستی:

« قید کد پستی الزامی است. »